

پیامدهای تربیتی اجتماعی علامت‌های قیام امام مهدی (عج)

آمنه رمه پرور^۱

^۱ دانش آموخته مرکز آموزش عالی الزهرا تبریز

نویسنده مسئول:

آمنه رمه پرور

چکیده

اعتقاد به ظهور امام مهدی (عج الله تعالی له الفرج) از باورهای مهم مسلمانان به ویژه شیعیان دوازده امامی است که بر اساس روایات معصومان (علیهم السلام)، پیش از قیام آن حضرت، علامت‌های فراوانی واقع خواهد شد. این نوشتار آثار تربیتی و اجتماعی آموزش و پژوهش در مباحث علامت قیام امام مهدی (عج الله تعالی له الفرج) را با تکیه بر همین روایات بررسی و تبیین کرده و به این سوال پاسخ داده که آثار و پیامدهای بحث و بررسی روایات نشانه های قیام امام مهدی (عج) چیست؟ در نهایت بدین نتیجه رسیده که؛ شناخت حق و باطل و حق گرایان و باطل گرایان آخرالزمان و پیروی یا گریز از آنها در گرو مطالعه و تحقیق در نشانه‌های قیام امام مهدی (عج الله تعالی له الفرج) است. برخی از نشانه‌ها جنبه امیدبخشی به متدینان دارند و برخی نیز جنبه امتحانی دارند و مومنان با نزدیک شمردن قیام حضرت، می‌توانند در فتنه‌ها ثابت قدم بوده و در برابر حوادث آینده، برنامه‌ریزی کلان داشته باشند.

واژگان کلیدی: علامت قیام امام مهدی (عج الله تعالی له الفرج)، علائم ظهور، امام مهدی (عج الله تعالی له الفرج)، آثار تربیتی.

مقدمه

یکی از نقاط قابل توجه در اندیشه ورزی انسان‌ها، تأمل و تفکر درباره‌ی آینده‌ی بوده و انسان همواره در پی به دست آوردن تصویری واضح از وضعیت خود در آینده است؛ چرا که همین وضعیت‌ها، بستر عمل خواهد بود. بنابراین هر قدر پیش بینی وضعیت آن درست‌تر باشد، برنامه-ریزی مناسب و کاملتری بر طبق آن صورت خواهد گرفت.

این پیش بینی یا «آینده پژوهی» در قالب‌های مختلف دینی، فلسفی، سیاسی و... در تاریخ بشر رواج داشته و تمامی ادیان به پیروان خود، آینده‌ای درخشان، همراه با صلح، آرامش، خیر و برکت را نوید داده‌اند. ظهور و افول ایسم‌های آینده‌گرایانه در قرن‌های اخیر، نشان از رواج نوعی غیب‌گویی است که در بیشتر موارد، بر پایه‌های سستی استوارست و در بسیاری از رگه‌های آن، اضطراب، پوچی، ابهام و نادانی به چشم می‌خورد. در حالی که در مکتب آینده پژوهانه‌ی اسلام و تشیع، سنت الهی و اراده‌ی انسان، شکل دهنده‌ی مستحکم‌ترین نوع آینده پژوهی است که نقطه‌ی امید و آرامش روحی و جانی بر اساس خبرهای معصومانه از عالم غیب است و تخلفی در وعده‌ی الهی صورت نمی‌گیرد. (آل عمران/ ۹ و ۱۹۴؛ زمر/ ۲۰) و راهی برای آینده آغاز می‌شود که زندگی امروزی را نیز شکل می‌دهد. (قصص/ ۵)

تاریخ تحولات زندگی بشر، نشان می‌دهد انسان همواره در صدد نجات از نابسامانی‌ها و سختی‌های حکومت‌های بشری بوده و تنها، نگاه شیعی به آینده و مهدویت می‌تواند با ایجاد روحیه‌ی امید و حیات در جامعه، مردم را از یأس رهانیده و به آینده‌ای روشن امیدوار سازد. از همین جا ضرورت شناخت امام و فرهنگ مهدوی و تمامی زیر مجموعه‌ها، ... و نشانه‌های قیام آن حضرت، در تمامی ابعاد فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، احساس می‌شود. از همین رو برداشتن نقاب از نشانه‌های قیام و چشم داشت به آنروز موعود، ضرورت دارد تا بدین وسیله مومنان در کوران رویدادهای بزرگ و فتنه‌های گمراه‌گر، دقت، احتیاط و دوراندیشی نموده و با گذر روزها و شدت یافتن حوادث، نشانه‌های قیام، جایگاه مهمی در فرهنگ اسلامی پیدا کرده است؛ از امام صادق (ع) نقل شده: «إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ بی‌شک پیش از قیام قائم نشانه‌هایی از جانب خداوند برای مومنان خواهد بود.» (نعمانی، ۱۳۹۷؛ ص ۲۵۰، بحرانی، ۱۳۷۴؛ ج ۱، ص ۳۵۸) توجه معصومان (ع) به آثار تربیتی فرهنگ مهدوی و نشانه‌های ظهور، ضرورت بررسی هر چه بهتر این مسأله را روشن می‌سازد.

این نوشتار در نظر دارد به این سوال پاسخ دهد که آثار تربیتی و اجتماعی نقل و بررسی و پژوهش در نشانه‌های قیام امام مهدی (عج) کدام است؟ اگر چه دهها کتاب و مقاله، احادیث نشانه‌های قیام امام (عج) را مورد بررسی قرار داده، لکن نوشته‌ی مستقلی در این خصوص که اختصاصاً آثار تربیتی و اجتماعی بحث از نشانه‌ها را پژوهش نماید یافت نگردید. بر این اساس، مطالعه و بررسی آثار و پیامدهای آموزش یا پژوهش این نشانه‌ها، در حد حوصله این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد:

مفهوم شناسی

از آنجا که کم دقتی در کاربرد واژگان، موجب گرفتاری به مغالطه در اشتراک لفظی می‌شود، شایسته است برخی از واژگان ضروری مورد تأمل قرار گیرد:

«عَلَم» به معنای پرچمی که لشکر به نشانه‌ی آن، گرد می‌آید، یا آن نشانه‌ای است، که در راه نصب می‌شود تا مایه هدایت گردد. (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ج ۲، ص ۱۵۳؛ جوهری، ۱۴۰۷؛ ج ۵، ص ۱۹۹۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷؛ ج ۳، ص ۲۹۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۷؛ ج ۸، ص ۲۰۵)

برخی دیگر از لغت شناسان بر این باورند که «عَلَم» به معنای نشانه‌ای است که در چیزی باشد و به وسیله آن، از دیگری مشخص و تمیز داده شود. (ابن زکریا، ۱۴۰۴؛ ج ۴، ص ۱۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲؛ ماده علم) و جمع «علامت»، «علامات» و عَلَم به معنای «پرچم» جمع‌اش، اعلام است. (طریحی، ۱۳۷۵؛ ج ۳، باب «علم»، ص ۲۳۸)

این واژه در فارسی نیز به «نشانه»، برگردان شده و عبارت است از حد فاصل میان دو زمین که در راه برای شناختن برپا می‌سازند و عَلَم درفش و کوه دراز است. (صفی پور، ۱۳۷۷؛ ج ۳، ص ۸۷۴)

عَلَم به لفظ مفرد در قرآن نیامده، اما «علامات» یک بار به صورت جمع در «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۱ (نحل/ ۱۶) آمده است. طبرسی در ذیل آیه می‌گوید: برای شما علامات قرار داد؛ یعنی نشانه‌هایی که به سبب آن راه را می‌شناسید. «علامات» یعنی کوه‌هایی که به وسیله‌ی آن‌ها در روز هدایت می‌شوید. (طبرسی، ۱۳۷۲؛ ج ۶، ص ۱۶۵)

محمد حسین طباطبایی، مراد از علامت را هر گونه علامت طبیعی، وضعی و حتی اشاره‌ها و زبان‌ها می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷؛ ج ۱۲، ص ۲۱۷)

۱. «و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله‌ی ستاره قطبی راه یابی می‌کنند.»

کاربرد علامت در روایات بسیار است مانند روایت امام صادق(ع): «ثَلَاثَةٌ مِنْ عِلَامَاتِ مُؤْمِنٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۳۸۸) روایت علی(ع): «إِنَّ لَاهِلَ الدِّينِ عِلَامَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا» (همان، ص ۲۳۹) و توصیه لقمان به پسرش: «وَأَنَّ لِلدِّينِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ...»^۱ (صدوق، ۱۳۶۲: ص ۲۳۹) با دقت در فهم لغت شناسان می‌توان گفت: علامت به معنای نشانه می‌باشد. علاوه بر معنای لغوی، با تأمل در محتوای روایات وارد شده، باید افزود؛ نشانه یکی از ابزار و وسایل شناخت است که بر چیزی راهنمایی می‌کند.

امور فراوانی در روایات مانند اختلاف امت اسلام، اختلاف بنی عباس در حکومت و... به عنوان علامت‌های پیش از قیام امام مهدی(ع) معرفی شده است. اگر این وقایع و حوادث، علامات تلقی شوند باید توجه داشت که: الف) منظور از این حوادث، رخدادهایی است که معصومان(ع) از وقوع آنها در آینده خبر داده‌اند. ب) بسیاری از حوادث در تاریخ اسلام اتفاق افتاده و بسیاری از این موارد نیز صحیح‌اند، اما این‌ها تنها پیش‌بینی یا پیش‌گویی رویدادهای آینده، یا بیان سنت‌های الهی در تاریخ از زبان معصومان بوده، لازم نیست حتماً آن‌ها را جزو نشانه‌های ظهور بدانیم. پس علامات جمع علامت به معنای نشانه بوده و مقصود از آن در این نوشتار، نشانه‌ی ظهور یا خروج امام زمان(عج) است. قابل ذکر است؛ جمع علامت به «علائم» تعبیری فارسی است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۰، ماده علائم) اگرچه در برخی از روایات تعبیر «علائم» مانند «عَلَائِمِ الْأُقْبَالِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۲۸) «عَلَائِمِ النَّجَاحِ» (همان، ۲۲۸) و «عَلَائِمِ الْغَلَبِ» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱ ص ۲۵۳) به کار رفته است، لکن منابع احادیث یاد شده، پس از قرن ششم می‌باشد.

علامات ظهور یا قیام

علامات ظهور نیز اصطلاح جدیدی است، در متن روایات به ویژه در منابع نخستین و اختصاصی این موضوع، اصطلاح علامات الظهور به کار نرفته، بلکه «علامات خروج القائم» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۹، باب ۵۷؛ صدوق ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳۰۳؛ اللیثی، همان: ص ۲۴۴؛ بحرانی، همان، ج ۱، ص ۶۱۳) یا «خروج المهدی» (ابن طاووس، ص ۱۲۸، باب ۱۱۲؛ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۸) «علامات قیام القائم» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۶۸؛ ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۵، ص ۱۹۱، ح ۴۲، یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۲۴) به کار رفته است. حتی نعیم بن حماد مروزی عنوان باب را «باب آخر من علامات المهدی فی خروجه» گذاشته است. (مروزی، ۱۴۱۴: ص ۲۶۰) تعبیر به «علامات ظهور»، اصطلاح علما در عنوان باب‌هاست. (ابن طاووس، همان: ص ۵۳۹، باب ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ص ۴۵۴، باب ۱۴؛ یزدی حائری، همان: ج ۲، ص ۹۳) حتی حدیثی که محمد بن حسن طوسی در متن کتاب «ذکر طرف من العلامات الکائنه قبل خروجه» تعبیر می‌کند، (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳۳) در فهرستش که در عصرهای بعدی تنظیم شده، «علائم ظهور الحجه» تعبیر شده است. (همان، ص ۵۶۹) محمد باقر مجلسی در همین باب، به «علامات ظهور القائم» تعبیر می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۹۱)

در نگاه آغازین به نظر می‌رسد؛ «ظهور» و «قیام» به یک معنا است، اما از روایاتی به دست می‌آید که ظهور با قیام متفاوت است و قیام، مرحله ای پس از ظهور می‌باشد.

مفضل بن عمر از امام صادق(ع) در آیهی «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» (مدثر / ۹) نقل کرده است: «إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُظْفَرًا مُسْتَبَرًّا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَهُ فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ همانا امام پیروز و غایب از خاندان ما، چون خدای عزوجل اراده کند امر او را ظاهر می‌سازد، در دلش نکته‌ای می‌گذارد پس ظاهر می‌شود و سپس به امر خدای تعالی قیام می‌کند.» (نعمانی، همان: ص ۱۸۷، ح ۴۰، طوسی، همان، ص ۱۶۴، ح ۱۲۶)

آنچه در این روایت به چشم می‌خورد حرف «فاء» در کلمه‌ی «فقام» دلالت بر امر قیام دارد که پس از ظهور اتفاق می‌افتد. در روایت محمد بن علی بن بابویه از امام جواد (ع) نقل شده: «... چون ۳۱۳ تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم می‌آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد. و چون عقد که عبارت از ده هزار مرد باشد، کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را می‌کشد تا خدای تعالی خشنود گردد.» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۳۳۱، ح ۱۶)

امام (ع) در این روایت، ابتدا، اظهار امر و سپس خروج را مطرح کرده، که نشان می‌دهد؛ اظهار امر مربوط به زمان ظهور است و کامل شدن تعداد «عقد» مربوط به زمان قیام می‌باشد که این دو، متفاوت‌اند.

۱. «ای پسر! برای هر چیز نشانه‌ای است که به آن شناخته می‌شود و بر آن گواهی می‌دهد و برای دین سه علامت است...»

برخی از روایات، نشانه‌ها را مربوط به قیام دانسته، که با دو تعبیر نقل شده؛ «قیام قائم» مانند «إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نعمانی، همان: ص ۲۵۰، باب ۱۴، ح ۵) «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِي...» (صدوق، همان: ص ۶۵۰، ح ۷، باب ۵۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ص ۳۴۹) «خَمْسُ عِلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّحِيحَةُ وَ...»^۲ (کلینی، همان: ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳) و با تعبیر «قائم» مانند «إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْتُ... وَ بَشَّرَ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع)» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۶۴۹، ح ۳) «لِلْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ: ظُهُورُ السُّفْيَانِي، وَالْيَمَانِي... نعمانی، همان: ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۹) «قَبْلَ الْقَائِمِ (ع) خَمْسُ عِلَامَاتٍ: السُّفْيَانِي، وَالْيَمَانِي، وَالْمُرَوَّانِي، وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، وَ كَفَّ تَقُولُ: هَذَا، هَذَا» (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۸۷)

بر این اساس، قیام غیر از ظهور و پس از آن است، حتی متون روایی اهل سنت، از امام (عج) تعبیر به قائم نمی‌کنند و نمونه‌هایی از روایات داریم که با سند و متن یکسانی نقل شده، ولی در منابع شیعی لفظ «قائم» (نعمانی، همان: ص ۲۵۲، باب ۱۴) و در منابع اهل سنت به «مهدی» تعبیر شده است. (مقدسی، ۱۳۹۹: ص ۱۱۳)

بر این اساس، علامات یا نشانه‌های قیام یا خروج، تعبیر درستی است و علائم یا علایم یا علائم الظهور یا علامات الظهور تعبیرات رایجی هستند، ولی در روایات نیامده و تعبیر معصوم نیستند.

پس از روشن شدن مفاهیم، پیامدهای تربیتی و اجتماعی استخراج شده از روایات را مورد بررسی قرار می‌دهیم که در شش عنوان؛ حق مداری، باطل گریزی، امید بخشی، جنبه امتحانی و جهت برنامه ریزی مومنان برای آخرالزمان مطرح شده است:

۱- حق خواهی و حق مداری

بر اساس برخی از روایات نشانه‌های حتمی، می‌توان جریان‌های حق مدارا شناسایی نمود و از آن‌ها پیروی کرد. از پیامبر (ص) نقل شده: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ؛ گروهی از امت من همواره حق را آشکار می‌کنند تا فرمان خدا فرا رسد.» (پابنده، ۱۳۸۲: ص ۶۷۰؛ ورام ابن ابی فراس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۷)

بر اساس روایات نشانه‌های قیام مهدی (عج) می‌توان؛ حق گرایان را شناخت و از آنان پیروی کرد. نمونه‌ی بارز حق گرایان در عصر پیش از ظهور، یمانی، خراسانی و پرچم‌های مشرق، و قیام مردی از قم در دوره پیش از ظهور است. چنانچه در روایتی از امام کاظم (ع) نقل شده: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قِمٍّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدَ لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلَوْنَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ مردی از اهل قم قیام می‌کند و مردم را دعوت به حق می‌نماید. جمعیتی گرد او را می‌گیرند که مانند پاره‌های آهن (سخت و محکم) هستند، طوفان‌های سخت آنها را تکان نمی‌دهد و از جنگ خسته نمی‌شوند و ترس به خود راه نمی‌دهند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت برای پرهیزکاران است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۱۶) مدعیان دروغین یمانی در طول تاریخ فراوان بوده‌اند که در هر دوره‌ای ادعاهایی کرده‌اند مانند عبدالرحمن بن اشعث، (مسعودی، بی‌تا: ص ۲۷۱؛ احمد بن سهل، ۱۳۹۹: ج ۲، ص ۱۸۷) یزید بن مهلب، (آیتی، ۱۳۹۰: ص ۵۰) عبدالرحمن بن محمد، عبدالرحیم بن عبدالرحمان، (همان، ص ۴۹) احمد حسن یمانی، (همان) بدر الدین حوثی (همان، ص ۶۲) عبدالرحیم مهربن فرس، (صفدی، همان: ج ۱۸، ص ۲۴۲؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۶، ص ۲۵۰) ابی المظفر عبد الرحمن بن منصور بن ابی عامر (ابن خلدون، همان: ج ۴، ص ۱۴۹؛ قلقشندی، ۱۹۸۱: ص ۳۸۶) و شمس الدین محمد بن أحمد فریانی که در سال ۸۴۸ ادا کرد؛ مهدی یا قحطانی موعود است. (العکری الحنبلی، بی‌تا: ص ۲۶۱) برخی از مدعیان یمانی، اکنون زنده هستند و... در آینده نیز ممکن است بر تعدادشان افزوده شود. از این روی، بررسی نشانه‌های قیام امام مهدی (عج) و شناخت ویژگی‌های حق گرایان و نشانه‌های آن‌ها، برای شناخت مدعیان دروغین از راستین، ضروری می‌نماید.

در حدیث ابو خالد کابلی از امام باقر (ع) است که «كَانَتِي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.» (نعمانی، همان، ص ۲۷۳، ح ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۴۳) در میان قیام‌های پیش از ظهور، تعدادی از آنها مردم را به حق دعوت می‌نمایند و در نهایت به محضر حضرت صاحب الزمان می‌رسند و کشته‌هایشان شهید هستند. این روایت حق گرا بودن گروهی از مشرقیان را اثبات می‌کند.

۱. «قبل از قیام قائم پنج نشانه‌ی حتمی است و آنها عبارتند از: خروج یمانی، خروج سفیانی، ندای آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در منطقه بیداء است.»

۲. «قبل از قیام قائم پنج نشانه‌ی و آنها عبارتند از: خروج یمانی، خروج سفیانی.»

امام صادق (ع) فرمود: «وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَضُ إِلَيْهِ فَإِنْ رَأَيْتَهُ رَأَيْتَهُ هُدًى... لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ؛ هَرَّاهُ يَمَانِي خُرُوجَ كُنْدَ بِهَ پِيشَوَازِ او رَوِيد؛ زِیرَا او دَعْوَتَ بِهَ حَقِّ مِی‌کُند.» (نعمانی، همان: ص ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۷) در برخی روایات، یمانی پیرو علی (ع) معرفی شده است. وقتی که طالب حق قیام کرد به امام صادق (ع) عرض کردند: «امیدواریم این شخص، یمانی باشد. امام فرمود: لَا، الْيَمَانِيُّ يُوَالِي عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ هَذَا يَبْرَأُ؛ نَه، يَمَانِي بَرِ وَلَايَتِ عَلِيٍّ (ع) است، ولی این شخص از علی (ع) بیزاری می‌جوید.» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۶۶۱)

از امام باقر (ع) در خصوص خروج سفیانی، یمانی و خراسانی نقل شده: که هر سه در یک سال و یک ماه و یک روز واقع می‌شوند ... در میان پرچم‌ها، تنها پرچم یمانی، هدایت‌کننده‌تر است؛ زیرا او دعوت به حضرت قائم (ع) می‌کند؛ چون یمانی خروج کند خرید و فروش اسلحه بر هر مسلمانی حرام گردد. وقتی که یمانی خروج کند، به سوی او بشتابید که پرچم او، پرچم هدایت است. بر مسلمانان جایز نیست؛ از یمانی روی گردان شوند و هر کس چنین کند از اهل آتش خواهد بود؛ زیرا او به سوی حق و راه راست، دعوت می‌کند. (نعمانی، همان: ص ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۷؛ مفید، همان: ج ۲، ص ۳۷۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ص ۴۵۸؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۶۳؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۶۰؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ص ۴۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۳۵۶؛ ص ۳۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۱۰) پس، بررسی روایات نشانه‌ها، ما را نسبت به حق و پرچم‌ها و رهبران حق، آگاه و راهنمایی می‌کند.

نمونه دیگری از حق خواهی و حق گرایی در آخرالزمان، روایات متعددی است که در خصوص نجات از سر درگمی در هنگام وقوع نشانه‌ها نقل شده است. زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «يُنَادِي مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ فُلَانًا هُوَ الْأَمِيرُ وَ يَنَادِي مُنَادٌ أَنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ قُلْتُ فَمَنْ يُقَاتِلُ الْمُهَدِّدَ بَعْدَ هَذَا فَقَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنَادِي أَنَّ فُلَانًا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي أُمَيَّةٍ قُلْتُ فَمَنْ يَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ قَالَ يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوْنَهُ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُحَقِّقُونَ الصَّادِقُونَ؛ منادی از آسمان ندا می‌کند: فلانی امیر است. منادی ندا می‌کند؛ علی و شیعیان او رستگارانند. گفتم پس از این ندا، چه کسی با مهدی می‌جنگد؟ فرمود: پس از این، شیطان ندا می‌کند؛ فلانی (مردی از بنی امیه) و پیروان او رستگارانند. پرسیدم: چه کسانی راستگو و دروغگو را از هم می‌شناسند؟ فرمود: کسانی که آن نشانه را از قبل، روایت می‌کردند و می‌گفتند: آن واقع می‌شود قبل از آنکه آن واقع شود. (مجلسی، ۱۴۰۷: ج ۵۲، ص ۲۹۴)

از این حدیث استفاده می‌شود؛ کسانی که این نشانه را روایت کنند و در مورد آن گفتگو نمایند، در زمان وقوع، نشانه‌ها سردر گم نمی‌شوند و آن را می‌شناسند.

هشام بن سالم از امام صادق (ع) در مورد ندای آسمانی نقل می‌کند: «هُمَا صَيِّحَتَانِ صَيِّحَةٌ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ صَيِّحَةٌ فِي آخِرِ اللَّيْلِ الثَّانِيَةِ قَالَ فَقُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ وَاحِدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ وَاحِدَةٌ مِنْ إِبْلِيسَ فَقُلْتُ كَيْفَ تُعْرِفُ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ فَقَالَ يَعْرِفُهَا مَنْ كَانَ سَمِعَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ؛ دو صیحه (ندا) خواهد بود، یک صیحه در اول شب و دیگری در آخر شب، پس عرض کرد: این چگونه خواهد بود؟ ایشان فرمودند: کسی که پیش از آن که اتفاق بیفتد، در مورد آن شنیده باشد، آن را می‌شناسد.» (نعمانی، همان: ص ۲۶۵، باب ۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، باب ۲۶) بر این اساس صرف شنیدن این ندا، باعث می‌شود در هنگام وقوع، آن را بشناسیم. عبدالرحمن بن مسلمه گوید: «قُولُوا لَهُمْ يُصَدِّقُ بِهَا إِذَا كَانَتْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ؛ به امام صادق (ع) عرض کردم: مردم ما را توبیخ می‌کنند و می‌گویند: در هنگام وقوع آن دو ندا، حق و باطل چگونه شناخته می‌شود؟... به آنها بگویید: کسی بدان تصدیق می‌کند که قبل از وقوع، به آن ایمان آورده باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۹۶)

طبق این روایت، نه تنها شنیدن و یا روایت کردن برخی از نشانه‌ها، بلکه ایمان به آن نشانه‌ها نیز لازم است تا در هنگام وقوع، گمراه نشویم.

۲- باطل‌گریزی

گریز از باطل و طاغوت، پیام تمامی انبیاء در کنار دعوت به توحید است.^۱ و یکی از وظایف ما به عنوان مقدمه‌ی ضروری باطل‌گریزی، شناخت حق و باطل است. از این روی، شناخت قیامها و پرچم‌های گمراه‌کننده و پرهیز از همراهی آنها در آخرالزمان، ضروری است. از جمله حرکت‌های باطل و ظالم، خروج سفیانی است. وی با امام علی (ع) دشمنی دارد.^۱

۱. «وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ.» (النحل/۳۶)

از امام باقر (ع) نقل شده: «خشم و کینه‌ی او، تنها متوجه شیعیان ماست و تنها بر کشتن آنها حریص است.» (نعمانی، همان: ص ۳۰۱) اگر ما در اهداف خروج سفیانی دقت کنیم، وظایف سنگینی در برابر او برای ما ایجاد می‌شود مانند آمادگی لازم برای مقابله با سفیانی، همراهی با مخالفان سفیانی و ضرورت فرار از سفیانی.

نمونه‌ی دیگری از باطل‌ها، پرچم‌هایی است که در روایت از امام صادق (ع) آمده «وَلْتَرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرَى أَىٌّ مِنْ أَىٍّ» (نعمانی، همان: ص ۱۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۱۴۷) این روایت از دوازده پرچم مشتبه‌ی خبر می‌دهند که از یکدیگر قابل تمیز نیستند. علاوه بر این در روایتی از امام باقر (ع) چنین آمده است: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ.» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۷۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۸۰؛ محمد بن حسن، طوسی، ۱۴۱۷: ص ۴۳۷؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۶۲ و ۱۱۴۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۵۹؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۳۵۴؛ عاملی نباطی (م. ۸۸۷)، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ جزائری، همان: ج ۳، ص ۱۶۳؛ یزدی حائری، همان: ج ۲، ص ۱۸۷) امام باقر (ع) در این روایت از قیام ۱۲ نفر از بنی هاشم خبر داده که به سوی خود دعوت می‌کنند.

از این روی، شناخت وظایف شرعی فقهی در برابر حوادث آخرالزمان، از بررسی حوادث و نشانه‌های قیام حضرت، روشن می‌شود. به ویژه، روایاتی نیز گریز از سفیانی را واجب می‌شمارند. مانند روایت فضل بن کاتب از امام صادق (ع) که فرموده: «فَإِذَا خَرَجَ السَّفِيَانِيُّ فَأُجِيبُوا إِلَيْنَا، يَقُولُهَا ثَلَاثًا؛ زَمَانِي كَه سَفِيَانِي خُرُوجَ كَرْدَ بِه سَوِي مَا بِيَايِد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۷۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۵۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۵۲؛ ح ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۲۸۱؛ ح ۴۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۷، ص ۲۹۷، باب ۹، ج ۵۲، ص ۲۶۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۰، ص ۳۹۳)

با روایت «فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ؛ بِه مَكَّةَ مَلْحَقَ شَوِيد.» (مروزی، همان: ص ۱۹۹) و نیز «فَإِذَا ظَهَرَ عَلَى كُورِ الشَّامِ فَأَقْبِلُوا إِلَيْنَا؛ وَتَمَّي سَفِيَانِي بِر شَهْرَهَائِ پَنَجَاَنَهْ عِنِّي شَام، تَسْلُطُ يَابِدَ بِه سَوِي مَا رَوِ كَنِيْد.» (جمعی از علما (ق ۳)، ۱۳۶۳: ص ۲۲۶) و یا روایت «إِذَا كَانَ رَجَبُ فَأَقْبِلُوا عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ وَتَمَّي مَاهِ رَجَبُ بَرَسِدَ بِا نَامِ خُدا بِه سَوِي مَا بِيَايِد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۶۴) و روایت «وَلَكِنْ عَلَيْكُمْ بِمَكَّةَ فَإِنَّهَا مَجْمَعُكُمْ؛ هَر كَسِ خَوَاسْتِ فَرَارِ كَنَدَ بِه سَوِي مَكَّةَ بَرُودِ مَحَلِ تَجْمَعِ شَمَا مَكَّةَ اسْت.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۴۰؛ نعمانی، همان: ص ۳۰۱) «فَإِذَا بَلَغَ كَأَنَّ السَّفِيَانِي قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَ لَوْ عَلَى رَجْلِكَ؛ هَر گَاهِ خَبَر دَارِ شُدِي سَفِيَانِي خُرُوجِ كَرْدَه، بِه سَوِي مَا كُوجِ كَن، گَر چِه بِا پَایِ پِيَاَدَهْ بَاشَد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۶۵؛ ملا محسن، فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۲۵۹، ح ۳۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۳؛ باب ۲۶؛ کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۹۵؛ حائری، همان: ج ۲، ص ۱۱۰)

بر اساس روایات فریقین، اگر کسی آن زمان را درک کند باید از سفیانی بگریزد و خود را به حضرت مهدی (عج) یا پرچم داران حق برساند. از مصادیق دیگر باطل گریزی در آخرالزمان، دوری از فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین، با ادعای نبوت، مهدویت، یمانی، سفیانی، خراسانی، شعیب بن صالح و... است.

افراد فراوانی در طول تاریخ از عنوان مهدویت و بعضی خصوصیات ظاهری و فراهم شدن موقعیت‌ها سود جسته و خود را مصلح و نجات بخش معرفی نموده و فرقه سازی کرده و انحرافات اعتقادی به وجود آورده‌اند. در حالی که هر گونه ادعای دروغین امامت محکوم است^۱ و صاحبان این حرکت‌ها، مشرک یا کافرند. توقیع شریفی است که امام عصر (ع) در پایان غیبت صغری به آخرین نایب خود ارسال داشته‌اند: «فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةَ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ؛ كَسَانِي اَز پِيروَانِ مَا خَوَاهِنْدَ اَمْدَ كَه مَدْعَى مَشَاهِدَهْ مِي‌شُونْد، آگَاهْ بَاشِيْد كَه هَر كَسِ پِيَشِ اَز خُرُوجِ سَفِيَانِي وَ وَقُوعِ صِيْحَهْ اَسْمَانِي اَدْعَايِ مَشَاهِدَهْ كَنْد، دروِغُو وَ افْتَرَا زَنْدَهْ اسْت.» (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۵۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۶۰؛ ابن حمزه، طوسی (م. ۵۶۰)، ۱۴۱۹: ص ۶۰۳؛ قطب الدین راوندی، همان: ج ۳،

۱. إِنَّا وَ آلُ أَبِي سَفِيَانَ أَهْلُ بَيْتِي نَتَعَادِيَنَا فِي اللَّهِ فَلَنَّا صَدَقَ اللَّهُ وَ قَالُوا كَذَبَ اللَّهُ قَاتِلَ أَبُو سَفِيَانَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ قَاتِلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ قَاتِلَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ السَّفِيَانِيَّ يَقَاتِلُ الْقَائِمَ. محمد بن علی، ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۴۶، محمد باقر، مجلسی، همان، ج ۳۳، ص ۱۶۵، باب ۱۷ ج ۵۲، ص ۱۹۰، باب ۲۵، نعمت الله، جزائری، ریاض الأبرار، ج ۳، ص ۱۵۸، علی، یزدی حائری، همان، ج ۲، ص ۱۰۹، حبیب الله، هاشمی خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة، ج ۱۸، ص ۲۸۰. محمد بن حسن، طوسی، الغيبة، ص ۴۵۰.

۲. «زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ». محمد بن ابراهیم، نعمانی، همان، ص ۱۱۲.

ص ۱۱۲۹؛ علی بن عیسی، اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۵۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۳۶۱. ج ۵۲، ص ۱۵۱. ج ۵۳، ص ۳۱۸؛ یزدی حائری، همان: ج ۱، ص ۳۷۸

بنابراین با شناخت نشانه‌های واقعی قیام، دروغ بودن ادعاهای مدعیان روشن شده و مانع موفقیت فرقه سازان می‌شود و انسان‌های با ایمان، شناخت درستی از حوادث آینده پیدا می‌کنند و از گروه‌های باطل، گریزان می‌شوند.

۳- امید بخشی

انتظار، امید می‌آورد. امید به آینده‌ی روشن، سبب حرکت، نشاط و پویایی می‌گردد. امید به تحقق ارزش‌ها، سبب تقویت روحیه‌ی صالحان می‌شود و بسیج عمومی را بر ضد ظلم و فساد فراهم می‌سازد. امید به موعود جهانی و انقلاب ارزشی او، هر گونه سستی، افسردگی، سکون و سکوت را می‌زداید و اقدام و تحرک را به جای آن می‌نشانند. نشانه‌های قیام، علامت‌های برپایی دولت اهل بیت (ع) است و مومنان را به برپایی دولت حق، امیدوار می‌سازد. علی بن یقطین از امام کاظم (ع) نقل می‌کند: «الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مِنْذُ مَائَتِي سَنَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۳۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۳۳؛ جزائری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۱۲۱) محمد باقر مجلسی در توضیح این جمله می‌گوید:

«مراد از (تربی بالامانی) این است که آنان، وعده‌ی نزدیکی گشایش و قرب ظهور دولت حق را به شیعیان نشان می‌دادند تا مأیوس نشوند و دینشان را رها نکنند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۰۲)

یقظین پدر این صحابی امام (ع) که از عامه بود به پسرش می‌گوید: «چرا آنچه درباره‌ی ما گفتند؛ محقق شد، ولی آنچه درباره‌ی شما گفتند، پدیدار نشد؟» علی بن یقطین پاسخ می‌دهد: «آنچه درباره‌ی ما و شما گفته شده، از یک منبع است، جز این که اکنون، زمان حکومت شماسست و چنانچه گفته‌اند، واقع شده، ولی هنوز زمان حکومت ما نرسیده است؛ پس آن را با آرزوها برایمان آراستند و اگر به ما گفته میشد این امر تا دویست یا سیصد سال دیگر اتفاق نمی‌افتد، دلها نا امید میشد و اکثر مردم از اسلام بر می‌گشت، ولی گفتند، چه زود و چه نزدیک است واقع شود تا دلها آماده شوند و چشم به انتظار گشایش بمانند.»

این روایت میرساند؛ همانطور که طبق پیشگویی معصومان (ع) حکومت بنی عباس محقق شد، حکومت اهل بیت (ع) هم واقع می‌شود؛ ولی چون بعد از زمانی طولانی اتفاق خواهد افتاد، ممکن است مردم نا امید شوند. اهل بیت (ع) برای رعایت دل‌های مردم، آن را امری نزدیک جلوه می‌دادند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۹؛ نعمانی، همان: ص ۲۹۵، باب ۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۳۳. ج ۴، ص ۱۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۱۳۲، ج ۵۲، ص ۱۰۲) اگر چه عبارت پایانی سخن علی بن یقطین «اهل بیت برای رعایت دل‌های مردم آن را نزدیک جلوه داده‌اند» ممکن است سخن درستی نباشد.

۴- جنبه‌های امتحانی نشانه‌های ظهور و ثبات قدم در فتنه‌ها

دشواری حفظ ایمان و مواظبت بر تقوی در دوران غیبت، همچون کندن خارها از بوته‌ی خار یا نگه داشتن قطعه سنگی گداخته با دست است. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۴) از امام صادق (ع) نقل شده: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغَرَّبَلُوا وَ يُسْتَخْرَجَ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛ مردم باید، خالص، جدا و غربال شوند و گروه زیادی در غربال خارج می‌شوند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۰، ج ۲، ص ۲۴؛ نعمانی، همان: ۲۰۴؛ طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۵۶)

آمادگی برای درگیری با عوامل امتحانی و مبهم و دشوار، می‌تواند بیان‌کننده‌ی سختی مواجهه با مسأله‌ی مهدویت و بهترین اثر برای شناخت این علامت‌ها باشد. از این رو، جنبه‌ی امتحانی نشانه‌ها، می‌تواند در هر کدام از نشانه‌ها به صورت مصداقی تحلیل شود؛ یعنی اگر کسی جنبه‌ی امتحانی نشانه‌ها را ملاحظه کند، در تمامی مصداق ظلم و جور مطرح در آخرالزمان، خود را ارزیابی می‌کند و خود را در خوف و رجای خداوند قرار می‌دهد؛ مثلاً روایتی که می‌گوید: «مردم آخرالزمان چنین و چنان هستند»، هر شخص خود را در معرض این روایت قرار دهد و ملاحظه کند آیا خودش نیز چنین است؟ مانند روایات وضعیت اخلاقی پیش از ظهور، وضعیت اعتقادی، وضعیت دولتی‌ها، و...^۱

۱. برای تفصیل مباحث، در کنار مصادر و منابع اصلی به کتاب نشانه‌های دولت موعود از نجم الدین طبعی رجوع شود.

۵- نزدیک شمردن قیام حضرت

آغاز هر کار با مقدماتی صورت می‌گیرد و اهمیت هر کاری نشانگر اهمیت مقدمات آن است، از آنجا که قیام مصلح کل، انقلابی جهانی است و همگان منتظر وقوع آن هستند؛ یکی از راه‌های آگاهی مردم از این رویداد، وقوع همین علامت‌ها در آستانه‌ی قیام حضرت مهدی (عج) یا همراه با آن است. روایات زیر دلیل این مدعاست: «إِنَّ قَدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ...؛ پیشاپیش قیام حضرت قائم (عج) نشانه‌هایی به وقوع خواهد پیوست که بلوی و آزمایشی است از جانب خدای متعال نسبت به بندگان مؤمنش...» (نعمانی، همان: ص ۲۵۸، باب ۱۴، ح ۵) «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَحْتَوَاتٍ الْيَمَانِي...؛ قبل از قیام قائم پنج نشانه‌ی حتمی است و آنها عبارتند از: خروج یمانی، خروج سفیانی، ندای آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در منطقه بیداء است.» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۶۵۰، ح ۷، باب ۵۷) «خَمْسُ عِلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ...؛ قبل از قیام قائم پنج نشانه‌ی و آنها عبارتند از: خروج یمانی، خروج سفیانی.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳) «إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْتُ... وَبَشَرُ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع)،» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۶۴۹، ح ۳) «لِلْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ: ظُهُورُ السُّفْيَانِي، وَالْيَمَانِي...» (نعمانی، همان: ص ۲۶۱، باب ۱۴، ح ۹) «قبل القائم (ع) خَمْسُ عِلَامَاتٍ: السُّفْيَانِي، وَالْيَمَانِي، وَالْمُرَوَّانِي، وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، وَكَفَّ تَقُولُ: هَذَا، هَذَا.» (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۸۷)

همه‌ی این روایات، حاکی از وقوع علامت‌ها، در زمان پیش از قیام است. در نتیجه، آموزش، پژوهش و آگاهی از این علامات، می‌تواند مخاطبان را به نزدیک بودن قیام حضرت، آگاه سازد. نشر و تحقق علامت‌ها، دلیل حقانیت و عده‌های خداوند، منعکس کننده‌ی عزم جدی خدا به یاری اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی است.^۱

۶- برنامه ریزی کلان

نشانه‌های قیام مهدی (عج)، حوادث آینده‌ی بشر است، اهل بیت (ع) با بیان آنها، آینده را پیش روی منتظران ترسیم کرده‌اند تا در هنگام رخ دادن هر یک از آنها، برای مواجهه‌ی درست با آن نشانه‌ها، برنامه‌ریزی مناسب انجام شود.

از آنجا که بخش مهمی از علامات، امور سیاسی اسلام به حساب می‌آید که باید مسئولان در رده‌های بالا در بررسی مسائل استراتژیک به آن‌ها پرداخته، برنامه‌های خود را در سطح کلان طبق آن تنظیم نمایند. مانند احادیث مربوط به وضعیت شام در دوره ظهور، (یزدی حائری، همان: ج ۱، ص ۲۳۱؛ مروزی، همان: ص ۵۰؛ ابن طاووس، همان: ص ۶۷، باب ۵؛ مقدسی، همان: ص ۲۴۱) «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ...» (نعمانی، همان: ص ۲۳۴، ص ۲۸۰؛ کشتارهای منطقه فرقیساء،^۲ کوفه.^۳

شرایط حساسی که اینک بر منطقه‌ی خاورمیانه حاکم شده و غرب به سرکردگی آمریکا با تمام قوا به خاورمیانه لشکرکشی کرده است، می‌توان تمام این برنامه‌ها را بر اساس پیشگیری از وقایع آخرالزمان و قیام آن حضرت تحلیل نمود. آنان می‌دانند که در این نبرد اتفاقات بزرگی رخ خواهد داد که در سطح جهان تأثیرگذار بوده و تمام معادلات جهانی را دگرگون خواهد کرد. لذا از ابتدا برای کنترل این قضایا که مرکز ثقل آن در خاور میانه است، به اینجا لشکرکشی کرده‌اند تا بر آن اشراف داشته باشند. مبشران کلیسا نیز از وقوع قضایایی بس خطیر و هولناک در این منطقه خبر داده‌اند، این خبرها در روحیه سیاستمداران استکبار تأثیر گذاشته، و برنامه‌های استراتژیک خود را در سطح کلان بر اساس آن پایه‌ریزی کرده‌اند. حتی ممکن است توجه بیش از حد آمریکا با همکاری غرب و هم پیمانانش به منطقه‌ی خاورمیانه به خصوص عراق، سوریه

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» سوره توبه ۳۳. «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِي نَسْتَضَعُّكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.» سوره قصص ۵.

۲. «إِنَّ لَوْلِدَ الْعَبَّاسِ وَ الْمُرَوَّانِي لَوْعَةً بِفَرْقِيسَاءَ يَشِيبُ فِيهَا الْعُلَامُ الْحَزَرُ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ النَّصْرَ وَ يُوحِي إِلَى طَيْرِ السَّمَاءِ وَ سِبَاعِ الْأَرْضِ اشْبَعِي مِنْ لَحُومِ الْجِبَارِينَ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِي.» محمد بن ابراهیم، نعمانی، همان، ص ۳۰۴. «أَمَّا إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَيَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ...» محمد بن مسعود، عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۴۵ نساء ۴۸، محمد بن یعقوب، کلینی، همان، ج ۸، ص ۲۹۵؛ ملا محسن، فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۵۸؛ محمد باقر، مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۳۲۴، ح ۴۵۱.

۳. محمد باقر، مجلسی، همان، ج ۳۸، ص ۵۰. ج ۵۲، ص ۲۱۸؛ محمد بن علی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه الطالبيين (ع)، ج ۲، ص ۲۶۴؛ علی بن موسی، ابن طاووس (م. ۶۶۴)، التحصین، ص ۶۷۲، علی بن موسی، ابن طاووس، الیقین، ص ۴۲۱.

و فلسطین، در این باب تجزیه و تحلیل شود که معرکه «آرمگدون» در منطقه ی خاورمیانه خصوصاً در منطقه‌ای بین سوریه و فلسطین اتفاق خواهد افتاد. (رضوانی، ۱۳۸۴: ص ۵۱۵) از این روی، مشخص شدن نقاط استراتژیک در روایات علامات مانند شام، قدس، (حموی (م. ۶۲۶)، معجم‌البلدان، ج ۱، ص ۱۶۵) اریحا، (مروزی، همان: ص ۲۴۰، ح ۸۸۸) عکا، (همان: ص ۳۰۰؛ ص ۳۷۷، ح ۱۱۵۰) مدینه،^۱ (کلینی، همان: ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۵۰، ح ۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۱۵۷، ح ۲۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۷: ج ۵۲، ص ۳۰۱، باب ۲۶) عراق، بصره، (مقدسی، همان: ص ۹۲) کوفه، (نعمانی، همان: ص ۲۸۰، باب ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۷: ج ۵۲، ص ۲۰۸، باب ۲۵؛ مروزی: همان، ص ۲۲۹) شام، (نعمانی، همان: ص ۲۵۱؛ عیاشی، همان: ج ۱، ص ۶۸؛ حرعاملی، همان، ج ۳، ص ۷۳۴ و ۷۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۲۹؛ بحرانی، همان، ج ۱، ص ۳۶۰: بحرانی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۲۸۷؛ عروسی حویزی، ج ۱، ص ۱۴۳؛ یزدی حائری، همان، ج ۱، ص ۵۵) مصر،^۲ (مروزی، همان: صص ۱۸۱، ۲۲۷، ۲۲۹؛ طوسی، همان: ص ۴۶۳) اردن^۳ (مروزی، همان: ص ۲۰۱) و ... می‌تواند چشم اندازی برای برنامه ریزان کلان در کشورهای اسلامی باشد.

۱. «وَ يَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُهْلِكُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُونَهَا».

۲. «إِذَا اخْتَلَفَتِ الرِّايَاتُ السُّودُ خَسَفَ بَقْرِيَّةُ مَنْقَرَى إِرَمَ، وَ سَقَطَ جَانِبُ مَسْجِدِهَا الْغَرْبِيِّ، ثُمَّ تَخْرُجُ بِالشَّامِ ثَلَاثَ رَايَاتٍ: الْأَصْهَبُ، وَ الْأَبْقَعُ، وَ السَّفْيَانِيُّ، فَيَخْرُجُ السَّفْيَانِيُّ مِنَ الشَّامِ، وَ الْأَبْقَعُ مِنْ مِصْرَ، فَيُظْهِرُ السَّفْيَانِيُّ عَلَيْهِمَ.» «يَخْرُجُ أَهْلُ الْغَرْبِ إِلَى مِصْرَ فَإِذَا دَخَلُوا فَتِلْكَ أَمَارَةُ السَّفْيَانِيِّ وَ يَخْرُجُ قَبْلَ ذَلِكَ مَنْ يَدْعُو لَالِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.»

نتیجه گیری

نوشتار پیش رو با بررسی آثار تربیتی و اجتماعی احادیث نشانه‌های قیام حضرت مهدی(ع) بدین نتیجه رسید که حداقل شش پیامد و اثر را می‌توان از روایات معصومان استخراج کرد: ۱. حق خواهی و حق مداری؛ ۲. باطل گریزی؛ ۳. امیدبخشی؛ ۴. جنبه‌های امتحانی نشانه‌های ظهور و ثبات قدم در فتنه‌ها؛ ۵. نزدیک شمردن قیام حضرت؛ ۶. برنامه‌ریزی کلان؛ یعنی بر اساس برخی از روایات نشانه‌های حتمی، می‌توان جریان‌های حق مدار را شناسایی و از آنها پیروی کرد. مانند یمانی، خراسانی و پرچم‌های مشرق، و قیام مردی از قم، همان‌گونه که باید باطل و باطل گرایان را شناخت و از آنها دوری کرد. از این روی، شناخت قیام‌ها و پرچم‌های گمراه کننده مانند سفیانی و پرهیز از همراهی آن‌ها در آخرالزمان، ضروری است. دقت در اهداف خروج سفیانی، وظایف سنگینی برای ما ایجاد می‌شود مانند آمادگی لازم برای مقابله با سفیانی، همراهی با مخالفان سفیانی. از این روی، شناخت وظایف شرعی فقهی در برابر حوادث آخرالزمان، از بررسی حوادث و نشانه‌های قیام حضرت، روشن می‌شود. به‌ویژه، روایاتی نیز گریز از سفیانی را واجب می‌شمارند. علاوه نشانه‌های قیام، علامت‌های بر پایی دولت اهل بیت (ع) است و مومنان را به بر پایی دولت حق، امیدوار می‌سازد. که وعده‌ی نزدیکی گشایش و قرب ظهور دولت حق را به شیعیان نشان می‌دادند تا مأیوس نشوند و دینشان را رها نکنند. بخشی از نشانه‌ها نیز جنبه امتحانی دارند. اگر کسی جنبه‌ی امتحانی نشانه‌ها را ملاحظه کند، در تمامی مصادیق ظلم و جور مطرح در آخرالزمان، خود را ارزیابی می‌کند و خود را در خوف و رجای خداوند قرار می‌دهد مثلاً روایتی که می‌گوید: مردم آخرالزمان چنین و چنان هستند، هر شخص خود را در معرض این روایت قرار دهد و ملاحظه کند آیا خودش نیز چنین است؟ مانند روایات وضعیت اخلاقی پیش از ظهور، وضعیت اعتقادی، وضعیت دولتها، و... یکی از راههای آگاهی مردم از قیام مهدی(عج)، وقوع همین علامت‌ها در آستانه‌ی قیام یا همراه با آن است. در نتیجه آموزش و پژوهش و آگاهی از این علامات، می‌تواند مخاطبان را به نزدیک بودن قیام حضرت، آگاه سازد. نشر و تحقق علائم ظهور، دلیل حقانیت وعده‌های خداوند، منعکس کننده‌ی عزم جدی خدا به یاری اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی است. بخشی دیگری از علامت‌ها نقاط استراتژیک عصر ظهور را مشخص می‌کنند و می‌تواند چشم اندازی جهت برنامه ریزی دولت‌های اسلامی باشد.

فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند

۱. آیتی، نصرت الله، تاملی در نشانه‌های حتمی ظهور، قم: آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
۲. ابن اثیر جزری (م ۶۰۶)، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن خلدون (م ۸۰۸)، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ أو الخبر فی تاریخ العرب و البربر ومن عاصرهم منذوی الشأن الأكبر، تحقیق:خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابن طاووس (م ۶۶۴)، علی بن موسی، التحصین لأسرار مازاد من کتاب الیقین، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۵. _____، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، المعروف بالملاحم و الفتن، قم: مؤسسه صاحب الأمر (عج)، ۱۴۱۶ ق.
۶. _____، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرؤ المؤمنین، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۷. ابن فارس (م ۳۹۵)، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن قاریاغدی (م ۱۰۸۹)، محمدحسین، البضاعه المزجاء، تحقیق: حمید احمدی جلفائی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۹. ارطی (م ۶۹۲)، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۰. بحرانی (م ۱۱۰۷)، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیرالقرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. _____، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. بحرانی اصفهانی (قرن ۱۴)، عبدالله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. بلخی (م ۵۰۷)، احمد بن سهل، البدء والتاریخ، پاریس: انتشارات برطرنه، ۱۸۹۹ م.
۱۴. پاینده (م ۱۳۶۳ ش)، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. جزائری (م ۱۱۱۲)، نعمت الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۷ ق.
۱۶. جمعی از علماء (قرن ۳)، الأصول الستة عشر، قم: دارالشیسترى للمطبوعات، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. جوهری (م ۳۹۳)، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. حرعاملی (۱۱۰۴ ق)، محمد بن حسن، إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۱۹. _____، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. راجب اصفهانی اصفهانی (م ۵۰۲)، ابی القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد گیلانی، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. راوندی (م ۵۷۳)، قطب الدین، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائج، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. صدوق (م ۳۸۱)، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۴. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. _____، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. صفدی (م ۷۶۴)، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. صفی پور (قرن ۱۳)، عبد الرحیم بن عبد الکریم، منتهی الارب فی لغة العرب، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۷۷ ق.
۲۸. طباطبایی (م ۱۴۰۲)، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. طبرسی (م ۵۴۸)، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. _____، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. طبری آملی صغیر (قرن ۵)، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم: نشر بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. طریحی (م ۱۰۸۵)، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

۳۳. طوسی (م ۵۶۶)، محمد بن علی ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، قم: انصاریان، ۱۴۱۹ق.
۳۴. طوسی (م ۴۶۰)، محمد بن الحسن، الأمالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۵. _____، الغيبة، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۳۶. عاملی نباطی (م ۸۷۷)، علی بن محمد، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ق.
۳۷. عروسی حویزی (م ۱۱۱۲)، عبد علی بن جمعة، نور الثقلین، تصحیح و تعلیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۳۸. العکری الحنبلی (م ۱۰۸۹)، عبدالحی بن أحمد بن محمد ابن العماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا
۳۹. عیاشی (م ۳۲۰)، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
۴۰. فراهیدی (م ۱۷۵)، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۱. فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)، محمد محسن، الوافی، اصفهان: کتاب خانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۲. قلشنندی (م ۸۲۱)، أحمد بن علی، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، دمشق: دارالنشر، ۱۹۸۱م.
۴۳. القمی المشهیدی (م ۱۱۲۵)، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، مؤسسه الطبع و النشر وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۴. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۴۵. کبیرمدنی (م ۱۱۲۰)، علیخان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین، تحقیق: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۶. کلینی (م ۳۲۹)، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴۷. _____، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۲ق.
۴۸. لیثی واسطی (قرن ۶)، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۴۹. مازندرانی (م ۵۸۸)، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۵۰. مجلسی (م ۱۱۱۰)، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۱. _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۵۲. مروزی (م ۲۸۸)، نعیم بن حماد، الفتن، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: نگارستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۵۴. مسعودی (م ۳۴۶)، علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، بیروت: دارصعب، بی تا.
۵۵. مصطفوی (م ۱۴۲۶)، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۵۶. مفید (م ۴۱۳)، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره مفید، تصحیح، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۳..
۵۷. المقدسی (م ۶۵۸)، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره: مكتبة عالم الفكر، ۱۳۹۹ق.
۵۸. مقدسی (م ۵۰۷)، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، مصر - بور سعید: مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۵۹. نعمانی (م ۳۶۰)، محمد بن ابراهیم ابن أبی زینب، الغيبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۶۰. نیلی نجفی (م ۸۰۳)، بهاء الدین علی بن عبدالکریم، سرور اهل الايمان فی علامات ظهور صاحب الزمان (عج)، قم: دلیل ما، ۱۴۲۶ق.
۶۱. ورام بن أبی فراس (م ۶۰۵)، مسعود بن عیسی، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم: مكتبة فقيه، ۱۴۱۰ق.
۶۲. هاشمی خویی (م ۱۳۲۴)، حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة (خوئی)، تهران: مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۰ق.
۶۳. یزدی حایری (م ۱۳۲۳)، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عج)، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ق.
۶۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.